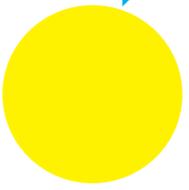


# ایران



«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

**امام صادقی (ع)؛ سخن روز**  
برای خدا خیرخواه خلق او باشید، زیرا هرگز خداوند را با عملی بهتر از این کار ملاقات نخواهی کرد.

الکافی، ۲۰۸، ۲۰۲

**مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران**  
رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری  
مدیرعامل: علی متقیان  
تلفن: ۸۸۷۶۱۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰  
پيامک: ۳۰۰۴۵۱۳۳ • روابط عمومی: صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۳۳۸۸  
نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری  
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارندة گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT  
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

**صاحب امتیاز:**  
خبرگزاری جمهوری اسلامی  
**مدیر مسئول:**  
صادق حسین جابری انصاری  
**سردبیر:**  
هادی خسروشاهین



## «۱۰۰» هادی حجازی فر در ۶ فصل

قسمت پایانی فصل اول مسابقه «۱۰۰» با اجرای هادی حجازی فر شنبه ۱۹ مهرماه ساعت ۲۲:۳۰ از شبکه سه سیما پخش می‌شود. همچنین پشت صحنه این مسابقه با عنوان «صددرصد» یکشنبه ۲۰ مهرماه ساعت ۲۲:۳۰ روی آنتن می‌رود. این مسابقه که سری دوم آن بزودی روانه آنتن می‌شود، برای ۶ فصل تدارک دیده شده و فصل پایانی آن فینال فینالست‌هاست، بزرگ‌ترین رقابت دانستنی‌ها و اطلاعات عمومی در ایران محسوب می‌شود. هادی حجازی فر این روزها فیلم سینمایی «ناتور دشت» را در حال اکران دارد که در نقش یک محیطبان ظاهر شده است. **ایران**



## «دو نفره‌ها»ی داریوش مؤدبیان روی آنتن رادیو

مجموعه نمایشی «دو نفره‌ها» کاری از داریوش مؤدبیان است که پخش آن از جمعه ۱۸ مهر در رادیو نمایش، موج افام، فرکانس ۵/۱۰۷ آغاز می‌شود و هر نمایش جمعه‌ها ۳ بار در ساعت ۸:۳۰ صبح، ۴ بعدازظهر و ۱۱ شب روی آنتن می‌رود. این مجموعه شامل نمایش‌هایی با دو شخصیت در یک موقعیت نمایشی است و آثاری از نویسندگان مطرح همچون اوزن لایبش، آنتوان چخوف، ژرژ کورنولین، لوتیچی پیراندلو، نیکلای اوربنیوف، کارل فالنتین، آرتور میلر، ویکتور اسلاوئین، علی نصیریان، لویی کالافرت، گی فوسی، ژولین سوسمان و کلود گور در آن اجرا می‌شود. **مهر**



## خبر خوش جورج کلونی برای طرفداران «یازده یار اوشن»

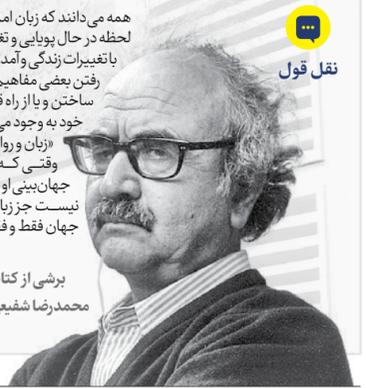
دو سال پس از آنکه جورج کلونی اشاره کرد که برای ساخت فیلم بعدی مجموعه «یازده یار اوشن»، فیلمنامه‌ای عالی در دست نگارش دارد، حالا می‌گوید که همه چیز برای شروع فیلمبرداری (که هنوز تأیید نشده) در سال آینده آماده است. کلونی گفته است که از همکاری مجدد با دست راست خود، برد پیت، در فیلم هیجان‌زده است و همچنین نسبت به همکاری دوباره با مت دیومون، دان چیدل و جولیا رابرتز که نقش همسر دنی اوشن، تس، را بازی می‌کند، ذوق بسیاری دارد. **ادنیای تصویر**



## انسان چیزی نیست جز زبان

همه می‌دانند که زبان امر ثابت و منجمدی نیست و هر لحظه در حال پویایی و تغییرات تدریجی است. بنابراین تغییرات زندگی و آمدن نیازمندی‌های جدید و از بین رفتن بعضی مفاهیم، هر زبان مقداری لغت را، از راه ساختن و یا از راه قرض گرفتن از زبانی بیگانه، در خود به وجود می‌آورد. محور همه تحولات شعر «زبان و روابط اجزای زبان است». وقتی که زبان شاعر تکراری است، جهان بی‌بوی و اهم تکراری است. انسان چیزی نیست جز زبان و همه خلاقیت‌های ادبی جهان فقط و فقط در حوزه زبان است.

برشی از کتاب «ادوار شعر فارسی» نوشته محمدرضا شفیعی کدکنی به مناسبت سالروز تولد این شاعر معاصر



نقل قول

## نگاره بازی و خانه؛ دو بال پرواز کودک



طراح: آنتونی استنکوف



نگاره

## وقتی سنگلج به کمک سینما آمد

فیلم «گاو» یکی از مهم‌ترین آثار تاریخ سینمای ایران است که در همکاری داریوش مهرجویی با غلامحسین ساعدی و گروه تئاتری شامل زنده‌یادها عزت‌الله انتظامی، جعفر والی، جمشید مشایخی، پرویز فنی‌زاده، علی نصیریان و... شکل گرفته است.

در واقع به گفته شاهدان، یکی از نقاط آغازین این همکاری در تئاتر سنگلج و در پشت صحنه اجرای نمایش «آی بی کلاه، آی باکلاه» رخ داده است؛ اتفاقی که موجب شد پس از فیلم «گاو» نیز این همکاری ادامه پیدا کند و تعدادی از بهترین آثار سینمایی ایران با همکاری گروهی تئاتری خلق شود. فیلم‌های «آقای هالو»، «پستچی»، «دایره مینا» و «مدرسه‌ای که می‌رفتم» از جمله این آثار به شمار می‌آید. علی نصیریان در گفت‌وگویی درباره این موضوع گفته است: «ما به همراه اکیپ خودمان در حال کار کردن نمایشنامه‌ای از دکتر ساعدی بودیم. اسم آن نمایش «آی بی کلاه، آی باکلاه» بود. در اواسط یا اواخر اجراها بودیم که آقای دکتر ساعدی با جوان بسیار خوش تئیی به پشت صحنه نمایش آمدند. ایشان، آن آقا را که داریوش مهرجویی بود به ما معرفی کرد و گفت او می‌خواهد نسخه سینمایی از داستان گاو بسازد. ما قبلاً این قصه را به صورتی که در فیلم تصویر شده است، اما به صورت فشرده در قالب تله‌تئاتر در تلویزیون خصوصی ایران که برای ثابت پاسال بود، اجرا کرده بودیم. به این ترتیب از آنجا همکاری اکیپ ما با آقای مهرجویی شکل گرفت.



اکنون تولد

شصت

سالگی

سنگلج،

بهبانه خوبی

است که

بپرسیم: آیا

جامعه تئاتر،

فرهنگی

و مدیران

شهری،

سنگلج را

فقط یک

ساختمان

می‌بیند یا

آن را به چشم

میراثی زنده

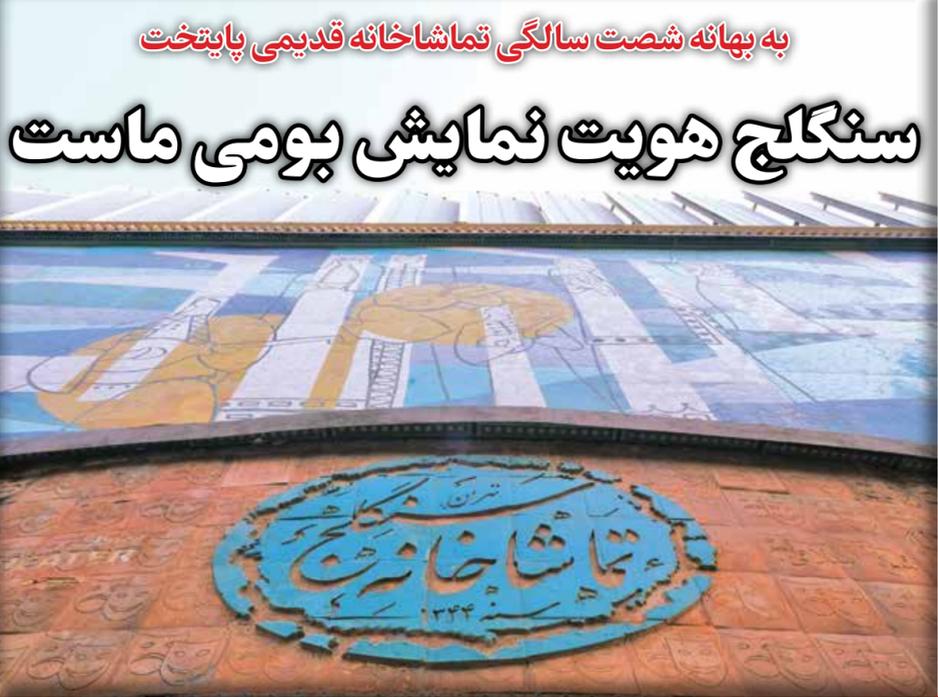
می‌نگرند که

به بازخوانی

و بازسازی

پیوسته نیاز

دارد؟



## به بهانه شصت سالگی تماشاخانه قدیمی پایتخت

# سنگلج هویت نمایش بومی ماست

نه فقط یک مجموعه تئاتری، بلکه نمادی است از یک آرمان فرهنگی؛ آرمانی که صدایش در دهه‌ها طنین انداخته و همچنان باید شنیده شود. اکنون تولد شصت سالگی سنگلج، بهانه خوبی است که بپرسیم: آیا جامعه تئاتر، نهاد‌های فرهنگی و مدیران شهری، سنگلج را فقط خودمان در حال کار کردن نمایشنامه‌ای از دکتر ساعدی بودیم. اسم آن نمایش «آی بی کلاه، آی باکلاه» بود. در اواسط یا اواخر اجراها بودیم که آقای دکتر ساعدی با جوان بسیار خوش تئیی به پشت صحنه نمایش آمدند. ایشان، آن آقا را که داریوش مهرجویی بود به ما معرفی کرد و گفت او می‌خواهد نسخه سینمایی از داستان گاو بسازد. ما قبلاً این قصه را به صورتی که در فیلم تصویر شده است، اما به صورت فشرده در قالب تله‌تئاتر در تلویزیون خصوصی ایران که برای ثابت پاسال بود، اجرا کرده بودیم. به این ترتیب از آنجا همکاری اکیپ ما با آقای مهرجویی شکل گرفت.

سال‌های بعد، شاهد فراز و فرود بسیاری بود؛ روزگاری اجرای نمایش غیرایرانی، گاه راهی برای بقا شد و روزگاری بازسازی و تحولات فنی، جان تازه‌ای به آن بخشید. در نهایت مدیریت این تماشاخانه در سال ۱۳۵۹ به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی واگذار شد و به پیشنهاد جمشید مشایخی نام آن به دلیل ساخت آن در محله سنگلج، به تماشاخانه سنگلج تغییر کرد. اینک در میان کوچه‌ها و گذرهای تاریخی تهران، تماشاخانه سنگلج ایستاده است؛ بنایی که هنوز نفس می‌کشد با صدای نمایش، خاطره و امید نگاهی تازه به هنر نمایش ایرانی. امروز، در شصت سالگی اش، سنگلج

فرهنگی به شمار می‌آید. با همین رویکرد بود که در روز نخست آغاز به کار این تماشاخانه، نمایش «امیر ارسلان نامدار» به کارگردانی علی نصیریان، به عنوان اولین اجرا در این تماشاخانه روی صحنه رفت. در ادامه نیز اجرای آثار نویسندگان بزرگی چون بهرام بیضایی، اکبر رادی و محمود استادمحمد و کارگردان‌هایی چون جعفر والی، عباس جوانمرد و علی نصیریان، این تماشاخانه را به عنوان پایگاهی مهم برای اجرای نمایش‌های ایرانی معرفی کرد و توانست استقبال جامعه هنری را به خود جلب کند. با این همه، این تماشاخانه در

«تالار ۲۵ شهریور»، ۱۸ مهرماه ۱۳۴۴، همزمان با اولین جشنواره نمایش‌های ایرانی، رسماً کار خود را آغاز کرد. همین شروع نشان می‌داد این مجموعه تئاتری، مأموریتی فراتر از اجرای نمایش صرف دارد. محافظت از هویت نمایش ایرانی، فرصتی برای خلق آثار اصیل و بومی فضایی برای ظهور نسل‌هایی جدید از هنرمندان، مأموریت‌های این بنای

## گزارش

حامد قریب گروه فرهنگی

## یادداشت

مهرداد پارسایی منتقد سینما

## به بهانه بازیگر شدن پسر سروش صحت

### شانس یا شایستگی؟



سوزنا صحت هم به عنوان یکی از بازیگران فیلم استخر به کارگردانی سروش صحت، به این پروژه اضافه شد تا در مقابل دوربین پدرش قرار بگیرد. این خبر در حالی منتشر شد که طی هفته‌های پیش مجادلاتی بر سر بازیگری «امیرحسین فتحی» پسر حسن فتحی در رساناها و شبکه‌های اجتماعی شکل گرفت که بازتاب‌های گسترده‌ای داشت؛ تا آنجا که خود او با مجله «فیلم امروز» مصاحبه تصویری انجام داد و در این باره هم حرف زد. برخی دلیل حضور او در سینما و کسوت بازیگر را نام و اعتبار پدرش و البته حمایت‌های او و برخی دیگر هم او را قربانی پسر فتحی بودن دانستند. این مناقشه البته برای بسیاری از بازیگرانی که از خانواده‌های سینمایی به خانواده سینما پیوستند گفته می‌شود که همواره با نوعی نقد و تحلیل‌های بدبینانه همراه است که اگر فلانی فرزند فلان سینماگر نبود نمی‌توانست وارد این عرصه شود. واقع در این خوانش، فرزند سینماگر بودن نوعی رانت و پارتی تعریف می‌شود که فراتر از توانمندی فردی و استعداد ذاتی، به یک امتیاز و فرصت طلایی برای حضور فرزندان سینماگران در عرصه سینما تبدیل شده است. از آن سو البته برخی از فرزندان سینماگران که به عرصه بازیگری راه یافته‌اند گله‌مند هستند که دیگران آنها را نه به عنوان یک شخصیت و هنرمند مستقل که به عنوان فرزند یک هنرمند می‌شناسند یا معرفی می‌کنند. برخی از آنها معتقدند که این نسبت بیش از آنکه یک فرصت باشد، محدودیت برای آنها ایجاد کرده و مانع از پذیرش هویت مستقل آنها از سوی مخاطبان شده است. برخی از آنها معتقدند که اگر فرزند بازیگر یا کارگردان شناخته شده نبودند، مجال بهتر و بیشتری برای اثبات خود داشتند و استقلال هنری و حرفه‌ای آنها رسمیت بیشتری پیدا می‌کرد. واقعیت این است که فرزند سینماگر بودن، همواره در کانون یک مناقشه نظری به دوگانه «شانس و شایستگی» تقسیم می‌شود که برخی آن را مصداق شانس حرفه‌ای و برخی عین بدشانسی حرفه‌ای می‌دانند که موجب می‌شود شخصیت مستقل یک بازیگر زیر سایه اعتبار پدر یا مادرشان نادیده گرفته و انکار شود. به نظر می‌رسد به لیست فرزندان سینماگرانی که بازیگر شدند در حال اضافه شدن است. در یک نگاه اجمالی می‌توان به پولاد کیمیایی، باران کوثری، لیلیا حاتمی، لیلی رشیدی، سپند و کمند امیرسلیمانی، ایرج نودری، ساعد سهیلی، رضا بنفشه‌خواه، امیریل ارجمند، سام غریبیان و زنده‌یاد رضا داوددژاد اشاره کرد. اما کارنامه حرفه‌ای آنها نشان می‌دهد که حضور آنها لزوماً از سر شانسی یا حق ویژه فرزند سینماگر بودن نبوده و آنها توانسته‌اند توانمندی و هویت خود را به عنوان یک بازیگر مستقل اثبات کنند. از این رونمی‌توان به قضاوت زود هنگام درباره سوزنا صحت نشست و دلیل بازیگر شدن او را پسر سروش صحت بودن دانست.

## نگاریم سنگلج به سرنوشت تئاترهای لاله‌زار دچار شود

فرهنگی و شهری تهران، سنگلج را در یاد و نگذارد در شلوغی پایتخت صدایش خاموش شود. شراپایش آنچنان مساعد نبوده و شاید بتوان گفت که چراغش کم فروغ شده است. به همین خاطر لازم است دست به دست هم دهیم و نگذاریم سرنوشت سالن‌های تئاتر و سینماهای لاله‌زار در اینجا نیز تکرار شود. متأسفانه موقعیت جغرافیایی سنگلج در مرکز شهر و در بافت قدیم تهران قرار گرفته است؛ زیرا وجود بازار و رونق اقتصادی و اداری آن منطقه، روح شهری را بین برده است. بنابراین اگر این تماشاخانه برای مدیریت شهری مهم است، باید هرچه زودتر دست به کار شود و کمک کند تا این مجموعه توسعه یابد؛ توسعه‌ای که در این سال‌ها فریاد زده و خواستار آن بودیم که مدیریت

می‌شناسند و در شش دهه گذشته، با حضور در آن، خاطراتی از هنر نمایش ایران را در ذهن خود حک کرده‌اند. متأسفم؛ زیرا اگر این تماشاخانه در جایی از کشورهای پیشرفته بود، حتماً به آن به دیده یک مکان و ساختمان نگاه نمی‌کردند، بلکه به‌عنوان خاستگاه و هویتی معنوی می‌نگریستند. متأسفم برای این است که ما به‌رغم آنکه به همراه بزرگانی چون استاد زنده‌یاد عزت‌الله انتظامی، داوود رشیدی، جمشید مشایخی و بسیاری دیگر از هنرمندان ساختمانی اطراف را در خدمت گسترش فرهنگ نمایش ایرانی و پاسداشت تماشاخانه سنگلج قرار دادیم.»

بزرگ و کارگردانان بنام در این تماشاخانه حضور داشته، عرض اندام کرده و آثار مانایی را روی صحنه بردند. این تماشاخانه ۶۰ سالگی خودش را در شرایطی سپری می‌کند که کمی تنها و دور از نگاه‌ها و نظرها افتاده است. ما باید برای این تماشاخانه که همچون پدری مهربان، در این ۶۰ سال سینه‌اش به روی همه ما باز بوده و بر صحنه تابناک آن، آثار تئاتری را برای مردم اجرا کرده‌ایم، فرزندان خلفی باشیم. تماشاگران تئاتر نه تنها در پایتخت، بلکه در نقاط مختلف کشور، این تماشاخانه را

تماشاخانه سنگلج، یکی از قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین پایگاه‌های تئاتر ایران، شصت سالگی خود را در حالی پشت سر می‌گذارد که هنوز صحنه‌اش خاطره‌ساز حضور بزرگان نمایش ایرانی است. اتابک نادری در یادداشتی، از اهمیت این بنای تاریخی و ضرورت توجه دوباره به آن می‌گوید. «تماشاخانه سنگلج ۶۰ ساله شد. این تولد و موجودیت را به همه هنرمندان تئاتر کشور تبریک می‌گویم. بنای تماشاخانه سنگلج، از ابتدا برای نمایش ایرانی و اقتدار و توسعه تئاتر ایرانی بوده و طی دهه‌های مختلف که به حیاتش ادامه داده، رنگ و بوی تئاتر ایرانی و هویت نمایش ایرانی و ملی را بارزتر نشان داده است. نمایشنامه‌نویسان

اتابک نادری مدیر سابق تماشاخانه سنگلج

